

چیستی «حسن خلق» و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی

عباس پسندیده^۱

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل «حسن خلق» در روایات اسلامی است. روش پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست. یافته‌های این پژوهش در بعد چیستی آن است که اولاً، حسن خلق مربوط به قلمرو روابط اجتماعی است، نه همه قلمروها؛ ثانیاً، برای مصادیق آن، دست کم در این پژوهش، هشت مصداق به دست آمد که عبارت‌اند از: الفت‌گیری و الفت‌پذیری، نرم‌خویی، خوش‌گویی، خوش‌رویی، شوخ‌طبعی، خرسندی در خوشایندها، ناخرسند نشدن در ناملایمات، و مهار خشم. در بعد چگونگی تأثیر، سه عنصر (وسعت، سهولت و زینت) بیان‌کننده آن هستند؛ به این شکل که حسن خلق یک خُلقِ مثبتِ توسعه‌یافته‌ای است که دامنه‌ی خیر آن از خود فرد فراتر رفته و به دیگران می‌رسد و موجب سهولت در ارتباط و زیبایی آن می‌شود. نتیجه این که چه در حوزه فردی یا تبلیغی یا تولید علم، می‌دانیم که چه معنا و تحلیلی باید از حسن خلق داشت و چگونه باید عمل کرد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، حسن خلق، روابط اجتماعی.

درآمد

از مسائلی که در روایات اسلامی بدان پرداخته شده، مسأله «حسن الخلق» و «سوء الخلق» است. حسن خلق، از بهترین نیکی‌ها شمرده شده^۲ که اگر به صورت انسان دیده می‌شد، هیچ چیز زیباتر از آن نمی‌بود.^۳ این صفت از رحمت الهی بوده^۴ و بهترین چیزی که

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ (مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۹۸۶؛ الخصال، ص ۲۹، ح ۱۰۲).

۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ كَانَ حُسْنُ الْخُلُقِ خَلْقًا يُرَى، مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءًا أَحْسَنَ خَلْقًا مِنْهُ، وَلَوْ كَانَ الْخُرْقُ خَلْقًا يُرَى، مَا كَانَ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ شَيْءًا أَفْبَحَ مِنْهُ (الزهد، ص ۸۸، ر. ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱۳ و ص ۳۲۱، ح ۲).

۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْخُلُقُ الْحَسَنُ زَمَامٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۳۷).

به بنده مؤمن داده شده است.^۵ حسن خلق مایه میمنت و برکت،^۶ رشد،^۷ و سعادت انسان^۸ است که در روایات از آن به عنوان نیمی از دین^۹ و ایمان،^{۱۰} خیر دنیا و آخرت،^{۱۱} و مایه تقرّب به خداوند متعال^{۱۲} یاد شده است. این صفت چنان جایگاهی در زندگی دارد که اگر انسان اثرات آن را بداند، بدان احساس نیاز خواهد کرد.^{۱۳} پیامبر اکرم ﷺ همواره تأکید داشته‌اند که بهترین شما، خوش اخلاق‌ترین شماست.^{۱۴} حتی یکی از شاخص‌های کمال ایمان، همین صفت شمرده شده^{۱۵} که در میزان قیامت، هیچ چیز سنگین‌تر از آن نیست.^{۱۶} در طرف مقابل، از سوء خلق به عنوان یک امر شوم یاد شده^{۱۷} و افراد بد اخلاق بدترین مردم دانسته شده‌اند.^{۱۸}

تعداد روایات مربوط به این اصطلاح چنان فراوان‌اند که جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که این صفت یکی از مفاهیم اساسی اسلامی است. آنچه اینجا مهم است، تحلیل این صفت است. مسأله این است که معنای این صفت چیست و به طور مشخص

۵. رسول الله ﷺ: خَيْرُ مَا أُعْطِيَ الرَّجُلُ الْمُؤْمِنُ خُلُقٌ حَسَنٌ، وَ شَرُّ مَا أُعْطِيَ الرَّجُلُ قَلْبٌ سَوْءٌ فِي صُورَةِ حَسَنَةِ (المصنف، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۸؛ ر.ک: الخصال، ص ۳۰، ح ۱۰۷).
۶. رسول الله ﷺ: اليمين حسن الخلق (مسند الشهاب، ج ۱، ص ۶۶، ح ۵۴).
۷. رسول الله ﷺ: حسن الخلق نماء (المستدرك ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۴۱، ح ۴۱۶۲).
۸. رسول الله ﷺ: من سعادة المرء حسن الخلق (مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۳۰۰؛ ر.ک: مشكاة الانوار، ص ۳۹۳، ح ۱۲۹۳).
۹. قال النبي ﷺ: حسن الخلق نصف الدين.
۱۰. رسول الله ﷺ: حسن الخلق نصف الايمان (الخصال، ص ۳۰؛ تاريخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۱). امام صادق ﷺ: من الايمان حسن الخلق و اطعام الطعام (الكافي، ج ۴، ص ۵۰، ح ۲).
۱۱. قالت أم سلمة لرسول الله ﷺ: بأبي أنت و أمي، المرأة يكون لها زوجان فيموتان فيدخلان الجنة لأيهما تكون؟ قال: يا أم سلمة! تخير أحسنهما خلقاً و خيرهما لأهله، يا أم سلمة! إن حسن الخلق ذهب بخير الدنيا و الآخرة (ثواب الأعمال، ص ۲۱۵؛ الخصال، ص ۴۲؛ روضة الواعظين، ص ۳۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۱۹، ح ۷).
۱۲. امام سجاد ﷺ: ان اقربكم من الله اوسعكم خلقاً (الكافي، ج ۸، ص ۶۹).
۱۳. رسول الله ﷺ: لو يعلم الخلق ما له في حسن الخلق لعلم انه يحتاج الى أن يكون له حسن الخلق (صحيفة الامام الرضا ﷺ، ص ۱۵۰، ح ۸۵).
۱۴. عبد الله بن عمرو: لم يكن رسول الله ﷺ فاحشاً ولا متفحشاً، و انه كان يقول: إن خياركم أحاسنكم أخلاقاً (صحيح البخاري، ج ۵، ص ۲۲۴۵، ح ۵۶۸۸؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۶۲، ح ۵۵).
۱۵. عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر ﷺ قال: إن أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً (الكافي، ج ۲، ص ۹۹، ح ۱).
۱۶. عن علي بن الحسين ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق (همانجا، ح ۲).
۱۷. رسول الله ﷺ: يا علي! سوء الخلق شؤم لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۸۲۱؛ السنن ابى داوود، ج ۴، ص ۳۴۱، ح ۵۱۶۲).
۱۸. رسول الله ﷺ: سوء الخلق شؤم و شراركم أسوءكم خلقاً. (تاريخ بغداد، ج ۴، ص ۲۷۶، ح ۱۲۱۴).

شامل چه اموری می‌شود؟ آیا همه فضایل اخلاقی را شامل می‌شود یا مربوط به حوزه خاصی است؟ مشخص نبودن پاسخ دقیق به این مسأله، سبب اشتباه در کاربرد آن می‌شود. مسأله دیگر، مصادیق حسن خلق است. در این بحث سؤال این است که مصادیق حسن خلق چیست و اگر کسی بخواهد بدان عمل کند، باید چه کارهایی را انجام دهد؟ معمولاً حسن خلق به صورت شعاری مطرح می‌شود و کمتر به مصادیق رفتاری آن پرداخته می‌شود و به همین جهت افراد نمی‌دانند در مقام عمل چگونه باید عمل کنند. مسأله سوم، چگونگی تأثیر حسن خلق است. یکی از مسائلی که کمتر بدان توجه می‌شود، تبیین چگونگی تأثیر صفات اخلاقی و از جمله حسن خلق است. حسن خلق موجب بهبود روابط اجتماعی و موفقیت در آن می‌شود. اما مسأله این است که چگونه حسن خلق اثر می‌کند و در روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این نیز از مسائل مهمی است که نیازمند بررسی عالمانه است و حتی ظرفیت نظریه پردازی دارد و خوشبختانه در منابع اسلامی پاسخ آن آمده است.

پیشینه

روایات حسن خلق، تقریباً در همه کتاب‌هایی که روایات اخلاقی را آورده‌اند، به چشم می‌خورد و چنان گسترده و مشهور است که نیاز به معرفی ندارد. آنچه مهم است، تحلیل این اصطلاح است. ملاصدرا در شرح اصول الکافی، هنگام بررسی برخی از روایات مربوط به این مبحث بیان می‌دارد که در باره تعریف و آثار حسن خلق، زیاد سخن رانده شده، اما کنه معنای آن واکاویده نشده است. ایشان در تحلیل این اصطلاح بیان می‌دارد که همان گونه که حُسن خَلق به کامل بودن همه اجزای جسمانی است، حُسن خُلُق نیز به برخورداری از همه فضایل اخلاقی است. وی در تبیین این سخن می‌گوید انسان مرکب از سه چیز است: جسم، نفس - که یا متصف به اخلاق نیکوست و یا اخلاق قبیح و در قیامت تجسم پیدا می‌کند - و روح ربانی که بر نفس سلیم وارد می‌شود. سپس ایشان بر مبنای نظریه اعتدال قوا تأکید می‌کند که وقتی همه فضایل به تناسب در وجود آدمی شکل گرفت، حُسن خُلُق حاصل می‌شود.^{۱۹} شبیه همین بیان را مرحوم فیض کاشانی به پیروی از استاد خویش مطرح کرده است.^{۲۰}

ملا محمد تقی مجلسی در روضة المتقین، نخست آن را معادل رسالة الحقوق امام سجاد علیه السلام

۱۹. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۲۰ به بعد.

۲۰. الوافی، ج ۱، ص ۴۲۰.

می‌داند و سپس آن را توسعه داده و همه آنچه را که مایه صلاح دنیای انسان می‌شود نیز داخل مفهوم آن می‌داند. در مرتبه سوم، بار دیگر آن را توسعه داده و شامل اخلاق بنده با خدا نیز می‌داند.^{۲۱}

ملاً صالح مازندرانی، نقل‌های مختلفی را در باره این مفهوم گزارش کرده است. وی نخست بیان می‌دارد که برخی آن را به گشاده‌رویی، و آزار نرساندن و بخشش به دیگران، و برخی دیگر آن را به ستم نکردن به دیگران، و منع نکردن دیگران از مال، و اجحاف نکردن، و گذشت از ستم دیگران، و شکرگزاری در صورتی که مورد منع قرار گیرد، و بردباری هنگام بلا، و برخی دیگر آن را به تحمل کردن، و ترک تجمل، دوستی آخرت و دشمنی دنیا تعریف کرده‌اند. سپس در تحلیل این تعریف‌ها می‌گوید:

حق این است که این‌ها همه تعریف به آثار و رفتارهای ناشی از آن است. ایشان معتقد است حسن خلق، یک هیئت پایدار در انسان به همراه صفات مرتبط با آن است که همانند نور، در درون انسان بوده و متناسب با هر عضوی، نور متناسب با آن ظاهر می‌شود. ایشان این نور را همان عقل است می‌داند که به تناسب مراتب انسان‌ها متفاوت است و لذا حسن خلق نیز متفاوت است.^{۲۲}

همچنین ایشان در شرح حدیث «حسن الخلق مجلبة للمودة» بیان می‌دارد که حسن خلق نقطه اعتدال شهوت و غضب است و شامل مصاحبت نیک، تحمل مشکلات دیگران، دلسوزی برای آنان، حلم، صبر، کمک، صداقت، لطف، مراعات، مواسات، رفق و دیگر فضایل اخلاقی می‌شود.^{۲۳} با این بیان، روشن می‌شود که ایشان نیز حسن خلق را دارای معنایی عام می‌داند که همه امور را شامل می‌شود.

علامه مجلسی، به عنوان یک حدیث شناس برجسته، در *مرآة العقول*، حسن خلق را غالباً به معنای موجبات حسن معاشرت و ارتباط نیک با مردم می‌داند.^{۲۴} همچنین ایشان در شرح حدیثی، تقوا را معامله شایسته با خدا و حسن خلق را معامله شایسته با خلق معرفی می‌کند.^{۲۵} همچنین ایشان در *بحارالانوار*، حسن خلق را معاشرت زیبا با مردم به وسیله بشاش

۲۱. *روضۃ المتقین*، ج ۶، ص ۴۰۲.

۲۲. *شرح الکافی للمولی صالح المازندرانی*، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲۳. همان، ص ۴۲۱ و ج ۸، ص ۲۸۷.

۲۴. *مرآة العقول*، ج ۸، ص ۱۶۶.

۲۵. همان، ص ۱۶۹.

بودن، مهرورزیدن، لطف داشتن، دلسوز بودن و تحمل کردن آزار تعریف می‌کند.^{۲۶} یکی از اندیشمندان معاصر نیز با استناد به روایات، یکی از معیارهای انتخاب همسر را حسن خلق می‌داند و آن را مجموعه‌ای از صفات مانند تقوا، راستگویی، امانتداری، خوش اخلاقی، خوش‌زبانی، خیرخواهی، پاکیزگی، باادبی، گذشت، بردباری، وظیفه‌شناسی، نجابت، عفت، کم‌توقعی، نرم‌خویی، رعایت اقتصاد در زندگی، شجاعت و ایثار می‌داند.^{۲۷} نگاهی مجموعی به این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که گروهی از اندیشمندان، مفهوم حسن خلق را از روایات معصومان علیهم‌السلام گرفته‌اند، اما فقط با تحلیلی عقلی، آن را تعریف کرده و معنایی عام برای آن در نظر گرفته و حتی برخی به نظریه پردازی در باره آن نیز پرداخته‌اند. این در حالی است که نگاهی به روایات مربوط به آن می‌تواند تعریف مورد نظر خالقان این اصطلاح را روشن سازد. بر همین اساس نیز دانشمندان حدیث‌شناس، در تعریف آن دقیق‌تر عمل کرده و محدوده‌ای مشخص از اخلاق را به عنوان قلمرو آن معرفی کرده‌اند.

چیستی حسن خلق

در چیستی حسن خلق با دو پرسش رو به رو هستیم: یکی معنا و دیگری مصادیق آن. از این رو، این بحث را در دو بخش جداگانه پی‌می‌گیریم:

الف) مفهوم «حسن خلق»

حسن خلق یک اصطلاح دینی است که باید معنای آن روشن شود. یکی از مراحل فهم حدیث، فهم اصطلاحات مرکب است؛ اصطلاحاتی که از دو یا چند واژه تشکیل شده و ممکن است معنایی همانند یا متفاوت از ترکیب معنایی واژگان داشته باشند.^{۲۸} حسن به معنای زیبایی و نیکویی، و خُلِقَ به معنای سنجیه^{۲۹} و شمایل درونی است. سؤال، این است که آیا این اصطلاح، همه فضایل و محاسن اخلاق را شامل می‌شود یا نه؟ برای بررسی این موضوع باید به سراغ متون دینی رفت. در منابع اسلامی، متونی وجود دارند که نشان می‌دهند که حسن خلق نمی‌تواند به معنای همه فضایل اخلاقی باشد. این روایات سه دسته هستند.

۲۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۷۲.

۲۷. انتخاب همسر، ص ۹۳ - ۱۴۲.

۲۸. ر.ک: روش فهم حدیث، ص ۹۶.

۲۹. الخُلُقُ و الخلیقه: الطبیعه (العین)؛ الخُلُقُ: السجیه (الصباح)؛ «خُلِقَ» و هو السجیه لان صاحبه قد قَدِّرَ علیه و فلان خلیق بكذا و اَخْلَقَ به ما اَخْلَقَهُ ای هو ممن یقدر فیه ذلک و الخلاق: التَّصِیْبُ لانه قد قُدِّرَ لکل احد نصیبه (معجم مقاییس اللغة).

دسته اول: اگر صفتی در رأس همه صفات اخلاقی باشد، به گونه‌ای که همه آنها را شامل شود و عنوانی جامع برای همه آنها باشد، یا باید بدان تصریح شده باشد و یا به گونه‌ای به کار برده شده باشد که بتوان از نحوه کاربرد، به سرآمد بودن نسبت به دیگر صفات آن پی برد. مورد اول که وجود ندارد؛ یعنی هیچ تصریحی بر سرآمد بودن حسن خلق در متون دینی یافت نشد؛ اما در مورد دوم، قضیه برعکس است؛ یعنی کاربرد حسن خلق به گونه‌ای است که نشان می‌دهد یکی از صفات است، نه سرآمد آنها. در برخی از روایات اسلامی، حسن خلق در کنار دیگر صفات و در عرض آنها قرار گرفته است؛ در حالی که اگر به معنای همه فضایل بود، باید در رأس قرار گرفته و مقسم دیگر صفات باشد، نه قسیم آنها؛ به عنوان نمونه، کلینی از عبدالله مسکان، روایتی را در باره مکارم اخلاق ذکر کرده که در آن حسن خلق در عرض نه صفت دیگر مانند یقین، قناعت، صبر و شکر قرار گرفته است.^{۳۰} دیگر دانشمندان اسلامی مانند مرحوم شیخ صدوق،^{۳۱} حسن بن فضل طبرسی صاحب *مکارم الاخلاق*،^{۳۲} علی بن الحسن طبرسی صاحب *مشکاة الأنوار*^{۳۳} نیز آن را نقل کرده‌اند. این نشان می‌دهد که حسن خلق نمی‌تواند مفهومی باشد که همه این‌ها را در برگیرد. چگونه می‌شود یک صفت هم مقسم صفات دیگر باشد و در همان حال، قسیم همان صفات نیز قرار گیرد؟ در جای دیگری آمده که اگر کسی چهار صفت اخلاقی داشته باشد، با وجود آنها، باکی نیست که چه چیزی از دنیا را انسان از دست داده باشد؛ یکی از آنها حسن خلق و سه مورد دیگر، امانت‌داری، راستگویی و عفت مالی است.^{۳۴} امام صادق علیه السلام چهار صفت را نام برده‌اند که اگر کسی آنها را داشته باشد، حتی اگر سرتا پا گناه باشد، به وی آسیب نمی‌زند؛ یکی حسن خلق و سه صفت دیگر امانت، صداقت و حیا است.^{۳۵} رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود تأکید کرده‌اند که خداوند متعال شما را با اسلام آوردن گرامی و کریم داشته، سپس تصریح می‌کند که شما

۳۰. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله - عز وجل - خص رسوله بمكارم الأخلاق، فامتحنوا أنفسكم، فإن كانت فيكم فاحمدوا الله، واعلموا أن ذلك من خير، وإن لا تكن فيكم فاسألوا الله وارغبوا إليه فيها، قال فذكر [ها] عشرة: اليقين والقناعة والصبر والشكر والحلم وحسن الخلق والسخاء والغيرة والشجاعة والمروة *(الكافي، ج ۲، ص ۵۶، ح ۲)*.

۳۱. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳ ص ۵۵۴.

۳۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۳.

۳۳. مشکاة الأنوار، ص ۴۲۰.

۳۴. رسول الله صلی الله علیه و آله اربع اذا كن فيك فلا عليك ما فاتك من الدنيا: حفظ امانة، وصدق حديث، وحسن خليقة، وعفة في طعمة *(مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۵۹۲، ح ۶۶۶۴؛ ر.ك: تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۹)*.

۳۵. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أربع من كن فيه كمل إيمانه، وإن كان من قرنه إلى قدمه ذنوباً لم ينقصه ذلك، [قال:] وهو الصدق وأداء الأمانة والحياء وحسن الخلق *(الكافي، ج ۲، ص ۹۹، ح ۳)*.

برای تزیین آن باید دو صفت را به دست آورید: یکی حسن خلق و دیگری سخاوت.^{۳۶} همچنین حضرت بیان کرده‌اند که بیشتر امت من با دو صفت تقوا و حسن خلق وارد بهشت می‌شوند.^{۳۷} همه این‌ها از باب «صحت سلب»، نشان می‌دهند که اصطلاح حسن خلق نمی‌تواند به معنای همه صفات نیک اخلاقی باشد.

دسته دوم: از راه‌هایی که می‌توان سرآمد بودن یک صفت را شناخت، حوزه کاربرد آن است. اگر حوزه کاربرد آن نشان دهد که شامل همه حوزه‌ها می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که عنوانی عام برای همه صفات است. اما در باره حسن خلق چنین چیزی نیز وجود ندارد؛ یعنی متون دینی نشان می‌دهند که این اصطلاح فقط مخصوص حوزه‌ای خاص از مسائل انسانی است و لذا نمی‌تواند عام باشد. در دسته دوم، روایاتی قرار دارند که به نوعی روشن کرده‌اند که حسن خلق مربوط به حوزه معاشرت و روابط اجتماعی است، نه همه حوزه‌ها. بر اساس این روایات، حسن خلق مربوط به اخلاق معاشرت می‌شود، نه همه امور اخلاقی زندگی؛ به عنوان نمونه، رسول خدا ﷺ کسی را که «با مردم» خوش اخلاق باشد، بشارت داده‌اند^{۳۸} و به آن توصیه کرده‌اند.^{۳۹} همچنین آن حضرت امام علی علیه السلام را به حسن خلق با «خانواده»، «همسایه» و «هرکسی که با آنها معاشرت و مصاحبت دارد»، سفارش می‌کنند تا صاحب درجات عالی شود.^{۴۰} در حدیث دیگری حضرت از حسن خلق به عنوان «حسن خلق یعیش به فی الناس» یاد کرده‌اند.^{۴۱} نیز آمده است که حتی گاه خداوند متعال برخی

۳۶. خیارکم من یرجی خیره و لایتقی شره، و شرارکم من یتقی شره و لایرجی خیره، فإن الله أكرمکم بالاسلام فزینوه بالسخاء و حسن الخلق. (تاریخ البیاض، ج ۲، ص ۱۰۴). انس بن مالک قال: أول خطبة خطبها رسول الله ﷺ أن سعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه وقال: يا أيها الناس! إن الله قد اختار لكم الإسلام ديناً، فأحسنوا صحبة الإسلام بالسخاء و حسن الخلق (تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۰، ص ۲۸۹، ح ۱۰۶۸۰).

۳۷. رسول الله ﷺ: أكثر ما تلج به أمتي الجنة تقوى الله و حسن الخلق (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۶).

۳۸. طوبى لمن حسن مع الناس خلقه، و بدّل لهم معونته، و عدّل عنهم شره (الكافي، ج ۸، ص ۱۶۹، ح ۱۹۰). عن أبي عبدة، عن أبيه قال: قال أبو جعفر عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: أنا زعيم بيت في الجنة لمن حسن خلقه مع الناس، و ترك الكذب في المزاح و الجد، و ترك المرء و هو محق (مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۶۴: الخصال، ص ۱۱۴).

۳۹. رسول الله ﷺ: اتق الله حيثما كنت، و خالق الناس بخلق حسن، و إذا عملت سيئة فاعمل حسنة تمحوها (الامالی طوسی)، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۳۱۲).

معاذ بن جبل قال: آخر ما أوصاني به رسول الله ﷺ حين وضعت رجلى في الغرزة، أن قال: أحسن خلقك للناس، يا معاذ بن جبل (الموطأ، ج ۲، ص ۹۰۲، ح ۱).

۴۰. يا علي! أحسن خلقك مع أهلک و جيرانک، و من تعاشر و تصاحب من الناس فكتب عند الله في الدرجات العلى (تحف العقول، ص ۱۴).

۴۱. رسول الله ﷺ من أعطى أربع خصال في الدنيا، فقد أعطى خير الدنيا و الآخرة، و فاز بحظه منهما: ورع يعصمه عن محارم الله، و حسن خلق یعیش به فی الناس، و حلم يدفع به جهل الجاهل، و زوجة سالحة تعينه على أمر الدنيا و

اخلاق نیک را به دشمنان می دهد تا اولیای او در سایه آن زندگی امنی داشته باشند.^{۴۲} مرحوم صدوق نقل کرده که امام علی علیه السلام نیز تصریح نموده که «با مردم» خوش اخلاق باش تا در نبود تو، مشتاق دیدار تو باشند و در مرگت بر تو بگریند.^{۴۳} فقرات قبل و بعد این حدیث همگی در باره روابط اجتماعی و آداب معاشرت است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز از تعبیر «مخالطه» استفاده شده و نشان می دهد که موضوع حسن خلق، معاشرت با مردم است.^{۴۴} امام زین العابدین علیه السلام برای خوش اخلاقی «با خانواده» بشارت داده اند.^{۴۵} حتی خداوند متعال به حضرت ابراهیم توصیه کرده است که «با کفار» نیز خوش اخلاق باش!^{۴۶} شواهد در این باره بیش از این است. در نمونه های یاد شده، همه جا صحبت از مردم در اشکال مختلف آن است و حسن خلق عاملی برای زندگی راحت با مردم دانسته شده است و چیزی فراتر از این را شامل نمی شود. پس روشن می شود که موضوع حسن خلق در روایات اسلامی، روابط اجتماعی و آداب معاشرت است.^{۴۷}

دسته سوم: منابع اسلامی این رویداد مشهور را نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود: «چون او با خانوادهاش کج خلق بود فشاری بر او وارد آمد».^{۴۸} سؤال این است: آیا سعد، صحابی بزرگوار رسول خدا، عاری از صفات پسندیده های چون راستگویی، حق پذیری، شجاعت، وفاداری و سخاوت بوده است؟

الآخرة (الامالی طوسی)، ص ۵۷۷، ح ۱۱۹۰؛ الخصال، ص ۱۴۵، ح ۱۷۲.

۴۲. عن أبي عبد الله عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى أعار أعداءه أخلاقاً من أخلاق أوليائه ليعيش أولياؤه مع أعدائه في دولاتهم. وفي رواية أخرى: ولولا ذلك لما تركوا ولياً لله إلا قتله (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱۳).

۴۳. وأحسن إلى جميع الناس كما تحب أن يحسن إليك، وارضلهم ما ترضاه لنفسك، واستقبح من نفسك ما تستقبحه من غيرك، وحسن مع جميع الناس خلقك حتى إذا غبت عنهم حنوا إليك، وإذا مت بكوا عليك، وقالوا: إنا لله وإنا إليه راجعون، ولا تكن من الذين يقال عند موته: الحمد لله رب العالمين كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۵۸۳۴.

۴۴. عن أبي عبد الله عليه السلام: إذا خالطت الناس، فإن استطعت أن لا تخالط أحداً من الناس إلا كانت يدك العليا عليه فافعل، فإن العبد يكون فيه بعض التقصير من العبادة، ويكون له حسن خلق، فيبلغه الله [حسن] خلقه درجة الصائم القائم (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۲، ح ۱۴).

۴۵. الإمام زين العابدين عليه السلام: أربع من كُرِّ فيه كُمل إسلامه، ومُحَصِّصَتْ عنه ذُنُوبُهُ، ولَقِيَ رَبَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - وهو عنه راضٍ: مَنْ وَفَى اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - بما يَجْعَلُ على نفسه للناسِ، وَصَدَّقَ لِسَانُهُ مَعَ النَّاسِ، وَاسْتَحْيَا مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ أَهْلِهِ (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۹۳، ح ۶).

۴۶. رسول الله صلی الله علیه و آله أوحى إلى إبراهيم يا خليلي حسن خلقك ولو مع الكفار تدخل مدخل الأبرار، وإن كلمتي سبقت لمن حسن خلقه أن أظله تحت عرشي، وإن أسقى من حظيرة قدسي، وأن أدنيه من جواري (الترغيب والترهيب، ج ۳، ص ۴۰۷، ح ۴۰۱۹؛ تاريخ مدينة دمشق، ج ۶، ص ۲۲۵، ح ۱۵۰۸).

۴۷. به نوعی می توان آن را از باب «صحت حمل» دانست.

۴۸. امالی الصدوق.

از کنار هم قرار دادن این سه دسته روایت به دست می‌آید که حسن خلق نمی‌تواند مقسم همه فضایل و محاسن اخلاق باشد، بلکه فقط مربوط به آداب معاشرت در روابط اجتماعی می‌شود.

دسته چهارم: راه چهارم، بررسی مصادیق یک صفت است. مصداق، غیر از حوزه کاربرد است. حوزه کاربرد شبیه نوع است و مصداق، یک مورد مشخص خارجی. اگر مصادیق و موارد یک صفت به گونه‌ای فراگیر باشد که شامل همه امور اخلاقی شود، می‌توان از آن استنباط نمود که آن صفت، عنوانی عام و فراگیر برای همه حوزه‌ها و امور اخلاقی است؛ اما اگر چنین نباشد، نمی‌توان حکم به عام بودن و سرآمد بودن آن داد. دسته دیگری که در این موضوع می‌تواند نقش آفرین باشد، روایاتی است که مصادیق حسن خلق را بیان کرده‌اند. روایات این دسته را در بحث بعدی خواهیم آورد و این‌جا از ذکر آن خودداری خواهیم کرد؛ اما مهم این است که مصادیق نیز نشان می‌دهند موضوع حسن خلق، آداب و اخلاق معاشرت است، نه همه قلمروهای اخلاق.

از مجموع آنچه گذشت به دست آمد که اولاً حسن خلق مربوط به قلمرو روابط اجتماعی است، نه همه حوزه‌ها؛ ثانیاً مراد از آن، اموری است که یک ارتباط را جذاب و فرح‌بخش ساخته و موجب لذت از ارتباط می‌گردد. بنا بر این، حسن خلق یعنی به کار بستن اموری که موجب شکل‌گیری یک ارتباط مثبت و خوب می‌شود.

ب) مصادیق حسن خلق

از مسائل مهم این است که حسن خلق شامل چه اموری می‌شود؟ و چه کارهایی مصداق حسن خلق به شمار می‌روند؟ مراد از مصادیق، موارد عینی و مشخصی هستند که در مقام عمل انجام می‌شوند. آنچه تا کنون گذشت، مفهوم حسن خلق و معنای آن بود، اکنون باید به مصادیق مشخص و عینی آن پرداخت تا روشن شود که برای خوش اخلاق بودن، باید چه اموری را رعایت کرد. البته - همان‌گونه که پیش‌تر در دسته سوم روایات مفهوم‌شناسی اشاره شد - مصادیق می‌توانند در شناخت بهتر مفهوم کمک کنند، اما فلسفه وجودی آنها این نیست. از نقص‌های برخی از نوشتارها و گفتارها در باره مباحث اسلامی از جمله حسن خلق این است که به مفاهیم کلی آن بسنده شده و نمودهای عینی آن مشخص نمی‌شوند. از این رو، هم فرد در صحنه عمل حیران می‌ماند و هم در مرحله تشخیص نمی‌توان به راحتی خوش اخلاق را از بد اخلاق تمیز داد. این در حالی است که در منابع دینی (قرآن و حدیث)، متونی وجود دارند که مصادیق را به خوبی بیان کرده‌اند. به

همین جهت، از مسائل مهم این است که مصادیق عینی حسن خلق در صحنه عمل مشخص شوند.

روایاتی که در این موضوع وارد شده‌اند، متفاوت بوده و گاه شامل چند مورد می‌شوند. از این رو، هر روایت را بیان کرده و موارد مطرح شده در آن را استخراج خواهیم کرد:

روایت نخست

امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم فرمودند: «ایا شما را از بهترین افرادتان خبر ندهم؟» مردم گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! حضرت صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الْمُؤَطَّوُونَ أَكْنَافًا،^{۴۹} الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ.^{۵۰}

این مفهوم، در دیگر روایات با تعبیر «احبکم الی الله»،^{۵۱} «احبکم الی»^{۵۲} و «أفاضلکم»^{۵۳} آمده است.

مورد اول: الفت‌گیری و الفت‌پذیری

از مصادیق خوش اخلاقی، الفت گرفتن با دیگران است. خوش اخلاق کسی است که نسبت به دیگران مهربورزد و مهرورزی دیگران را بپذیرد. از مسائل مهم در شکل‌گیری یک ارتباط خوب، الفت گرفتن با دیگران و الفت‌پذیری از آنان است. برخی افراد توان الفت گرفتن ندارند. برخی دیگر، اگر مورد الفت قرار گیرند، توان جذب و پذیرش آن را ندارند. این هر دو موجب نقصان در ارتباط اجتماعی می‌گردد. ارتباط بدون الفت و صمیمیت، ارتباطی خشک و آزار دهنده خواهد بود. بنا بر این، یکی از عناصر خوش اخلاقی، برخورداری از توان الفت‌گیری و الفت‌پذیری است.

۴۹. این تعبیر، ضرب المثلی است که از ریشه توطئه به معنای آماده بودن است و مفهوم آن، این است که این افراد، همه چیز برای ارتباط عاطفی با آنان مهیاست و آنان به گونه‌ای هستند که می‌توان در کنار آنان قرار گرفت و آزار ندید. این، همان مفهوم نرم‌خویی است.

۵۰. الزهد، ص ۲۰، ح ۷۵. در روایت دیگری چنین آمده است: رسول الله صلی الله علیه و آله خیارکم أحسنکم أخلاقاً، الذين يألَفون و يؤلَفون (تحف العقول، ص ۴۵).

۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الْمُؤَطَّوُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۵۰).

۵۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الْمُؤَطَّوُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۳۵۰، ح ۷۶۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۳، ح ۱۷).

۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَفَاضِلُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الْمُؤَطَّوُونَ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ وَتَوَطَّأُ رِحَالَهُمُ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۲).

روایت دوم

از امام صادق علیه السلام درباره حد حسن خلق سؤال شد و حضرت در بیان مصداق‌های آن به سه چیز تصریح فرمودند:

تَلِينُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ وَ تَلَقُّى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنِ.^{۵۴}

در این روایت سه مصداق معرفی شده‌اند که به بررسی آنها می‌پردازیم:

مورد دوم: نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری

نخستین مصداق این حدیث، «تلین جانبک» است.^{۵۵} «جانب» به معنای پهلو و کنار است که می‌توانند بیان‌گر نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری در روابط اجتماعی باشد. رابطه یعنی کنار هم قرار گرفتن روح‌ها و جان‌ها. همان‌گونه که اجسام مادی و جرم‌دار، نوع سخت و نرم دارند، روح‌ها نیز نوع سخت و نرم دارند. تماس روحی میان افراد، می‌تواند سخت یا نرم باشد. اگر دو روحی که کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، سخت و خشن باشند، به یکدیگر آسیب می‌زنند و ممکن است به طور کلی شکسته شوند؛ اما اگر نرم باشند، ممکن است و بلکه حتماً با یکدیگر برخورد خواهند داشت. نرمی باعث کاهش آسیب و هضم شدن مشکلات ارتباطی می‌گردد. این، همان حالت انعطاف‌پذیری است که تعامل را لذت‌بخش کرده و موجب برانگیخته شدن عاطفه مثبت می‌گردد؛ همان‌گونه که دو جسم سخت نمی‌توانند به راحتی در کنار هم قرار بگیرند، دو اخلاق خشن نیز نمی‌توانند در کنار هم زندگی آرامی داشته باشند.^{۵۶}

مورد سوم: خوش‌گویی

مصداق دوم در حدیث پیشین، «تطیب کلامک» است. طیب کلام به معنای خوب سخن گفتن است. این مصداق مربوط به بعد گویایی و شنوایی انسان است. «گفتن - شنیدن» یکی از راه‌های ارتباطی است. گویه‌های انسان، از یک منظر دو بعد دارد: یکی قالب و دیگری محتوا. مراد از قالب، آهنگ سخن است. سخن، به لحاظ آهنگ، یا «گوش‌خراش» است یا «گوش‌نواز». سخن گوش‌خراش، عاطفه منفی را برمی‌انگیزد و سخن گوش‌نواز،

۵۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۲، ح ۵۸۹۷.

۵۵. البته مرحوم کلینی در الکافی (ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴) عبارت «تلین جناحک» را نقل کرده است. «جناح» به معنای بال و پراست. به نظر می‌رسد نقل شیخ صدوق صحیح‌تر است؛ چون در ادبیات عرب، معمولاً لین با جانب به کار می‌رود و خفض با جناح.

۵۶. فَمِمَّا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

عاطفه مثبت او را. از این رو، لحن نرم، ملایم و ملاطفت آمیز در سخن گفتن می‌تواند نقش مهمی در تقویت موذت و صمیمیت داشته باشد. مراد از محتوا، معنای سخن است. سخن، به لحاظ معنا، یا «دل نواز» است یا «دل خراش». سخن دل خراش، عاطفه منفی را بر می‌انگیزد و سخن دل نواز، عاطفه مثبت وی را. سخن دل نواز سخنی است که از نظر عاطفی، پیام‌آور محبت باشد، نه نفرت. و از نظر شخصیتی، موجب حرمت و تکریم باشد، نه تحقیر و توهین وی.

مورد چهارم: خوش رویی

مصدق سوم در این روایت، خوش رویی است. این مسأله در دیگر روایات، با تعبیرهای «بشاشة»^{۵۷}، «حسن البشر»^{۵۸} و «طلاقة الوجه»^{۵۹} و مانند آن آمده است. این عنصر مربوط به حوزه دیداری ارتباط است. به نمایش گذاشتن سیمایی خوب می‌تواند از بعد بینایی بر مخاطب اثر مثبت گذارد و به لطافت و زیبایی ارتباط بیفزاید.

روایت سوم

یونس شیبانی نقل می‌کند روزی امام صادق علیه السلام از من پرسیدند: شوخی شما با یکدیگر چگونه است؟ گفتیم: اندک است. با شنیدن این جمله حضرت فرمودند:

فَلَا تَفْعَلُوا، فَإِنَّ الْمُدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّزُورَ عَلَى أَحْيَكِ، وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَدَاعِبُ الرَّجُلَ يَرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ.^{۶۱}

مورد پنجم: شوخ طبعی

از دیگر ابعاد تعامل میان افراد، فضای حاکم بر رابطه است. از یک منظر، فضای تعامل می‌تواند شاد یا ناشاد باشد. سرور و شادی، نشاط به وجود می‌آورد و فضای باز و وسیعی را رقم می‌زند و ارتباط افراد با یکدیگر را لذت بخش می‌سازد و بدین وسیله عاطفه مثبت را

۵۷. رسول الله صلى الله عليه وآله إِنَّ مِنْ مَكَارِمِ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، الْبَشَاشَةُ إِذَا تَرَاوَرُوا، وَالْمُصَافِحَةُ وَ التَّرْحِيبُ إِذَا التَّقَوُّوا كَتَبَرِ الْعَمَالِ، ج ۹، ص ۳۹، ح ۲۴۸۲۶، نقلاً عن ابن لال في مكارم الأخلاق؛ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۲۹ كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصاري).

۵۸. الإمام الحسن علیه السلام: سَأَلْتُ خَالَي هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ، عَنِ جَلِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَكَانَ وَصَافاً لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: ... فَقَالَ: كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيْتِنِ الْجَانِبِ (دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۳، ص ۳۲۴، ح ۴، به نقل از: عمیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۶ و ص ۳۱۸، ح ۱؛ معانی الأخبار، ص ۸۰ و ۸۳، ح ۱).

۵۹. الإمام الباقر علیه السلام: الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقَةُ الْوَجْهِ مَكْتَسِبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَ قُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ، وَ عُبُوسُ الْوَجْهِ وَ سُوءُ الْبِشْرِ مَكْتَسِبَةٌ لِلْمَقْتِ وَ يُعْجَدُ مِنَ اللَّهِ (تحفه العقول، ص ۲۹۶).

۶۰. ر. ک: دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۱۳، ص ۳۱۷.

۶۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

برمی‌انگیزد. برعکس، خشک بودن و اخم داشتن، فضایی تنگ، بسته و کسل‌کننده به وجود می‌آورد و موجب برانگیخته شدن عواطف منفی می‌گردد. ارتباط مثبت میان دو نفر، نیازمند فضایی شاد و فرح‌بخش است. بنا براین، یکی از مصادیق اخلاق خوش، ایجاد سرور و نشاط در تعامل است. راه این کار نیز شوخی و مزاح است.

روایت چهارم

به نقل *کنز العمال*، رسول خدا ﷺ در تفسیر حسن خلق فرموده است:

إِنَّمَا تَفْسِيرُ حُسْنِ الْخُلُقِ: مَا أَصَابَ الدُّنْيَا يَرْضَى، وَإِنْ لَمْ يُصِبْهُ لَمْ يَسْخَطْ. ۶۲

مورد ششم و هفتم: «خرسند شدن در خوشاینها» و «ناخرسند نشدن در ناخوشاینها»

روند زندگی، هم دوران خوشایند دارد و هم دوران ناخوشایند. این قانون زندگی است. ۶۳ در این روایت، نمود و تجلی حسن خلق در دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند زندگی نشان داده شده است. برخی ممکن است در ناخوشایندهای زندگی، به خشم درآیند و زبان به سرزنش گشایند، و در خوشایند هم، باز ناخرسند باشند. هم کسانی که در ناخوشاینها عصبی، نالان و ناراضی می‌شوند، و هم کسانی که همیشه ناراضی و طلبکارند، حتی اگر در خوشایند باشند، هر دو زندگی را بر خانواده خود تلخ می‌کنند. این، بد اخلاقی است. اما انسان‌های خوش اخلاق، در خوشاینها خرسند می‌شوند، و به ویژه در ناخوشاینها کنترل از دست نداده و ناراضی و عصبی نمی‌شوند. این امر سبب می‌شود که فضا بر خانواده تنگ نشود و افراد، بیش از اصل مشکل، دچار فشار روانی بیشتر نگردند.

روایت پنجم

نقل می‌کنند روزی مردی از روبه روی پیامبر خدا، نزد ایشان آمد و پرسید: ای پیامبر خدا، دین چیست؟ حضرت فرمود: «خوش خویی». سپس از طرف راست آمد و پرسید: دین چیست؟ باز فرمود: «خوش خویی». آن‌گاه، از طرف چپ ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟ باز فرمود: «خوش خویی». سپس از پشت سر ایشان آمد و پرسید: دین چیست؟ پیامبر ﷺ به طرف او برگشت و فرمود: «مگر نمی‌فهمی؟! دین، آن است که خشم نگیری». ۶۴

۶۲. *کنز العمال*، ج ۳، ص ۱۷، ح ۵۲۲۹.

۶۳. امام علی علیه السلام: الدهر یومان: یوم لک و یوم علیک (نهج البلاغه، نامه ۷۲).

۶۴. جاء رجل إلى رسول الله ﷺ من بين يديه فقال: يا رسول الله! ما الدين؟ فقال: حسن الخلق. ثم أتاه عن يمينه، فقال: ما الدين؟ فقال: حسن الخلق. ثم أتاه من قبل شماله، فقال: ما الدين؟ فقال: حسن الخلق. ثم أتاه من ورائه، فقال: ما



این جریان با نقل دیگری با پرسش در باره بهترین عمل نیز وارد شده است و در آخر آن حضرت فرموده‌اند: حسن خلق آن است که تا می‌توانی خشمگین نشوی.^{۶۵}

مورد هشتم: مهار خشم

از دیگر موقعیت‌های زندگی - که ممکن است زمینه کدورت و نفرت را فراهم آورد - اشتباه‌های دیگران است. رفتار اشتباه یا اشتباه ارزیابی کردن رفتار دیگران می‌تواند موجب بروز خشم و عصبانیت گردد. در زندگی، همیشه اختلاف سلیقه و اندیشه‌هایی وجود دارد که ممکن است همسران را به خشم آورد. خشم و عصبیت، موجب برانگیخته شدن عاطفه منفی می‌گردد و در نتیجه، سبب بروز ناراحتی و کدورت می‌شود و دشمنی را برمی‌انگیزد. این، بداخلاقی است. افراد خوش اخلاق، برخورد مسلط بوده و در چنین مواقعی خشم خود را مهار نموده و فضای تعامل را آشفته نمی‌سازند. از این رو، یکی از مصادیق خوش اخلاقی، مهار خشم در اختلاف‌ها و تضادهاست. با مهار خشم می‌توان از آسیب‌رسیدن به روابط اجتماعی و از برانگیخته شدن عاطفه منفی جلوگیری نمود و بدین‌سان از کیان مدت و صمیمیت پاسداری نمود.

جمع بندی

از مجموع آنچه گذشت، به دست آمد که حسن خلق دست کم هشت مصداق عینی دارد. هر کدام از این هشت مصداق یک بعد از روابط اجتماعی را پوشش می‌دهد. «الفت‌پذیری و الفت‌گیری» به اصل اهل رابطه بودن، «نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری» به چگونگی ارتباط روانی افراد در تعامل و تضارب با یکدیگر، «خوش‌گویی» به بعد شنیداری رابطه، «خوش‌رویی» به بعد دیداری رابطه، «شوخی‌طبعی» به نشاط فضای رابطه، «خرسند بودن / نبودن» به خلق فرد هنگام تعامل با دیگران در خوشایندها و ناخوشایندهای زندگی، و مهار خشم به حالت اشتباه و ظلم طرف مقابل مربوط می‌شود. اگر الفتی ابراز نشود و یا الفت ابراز شده درک نشود، اگر فرد انعطاف نداشته و سخت باشد، اگر سخن تولید شده گوش نواز و دلنواز نباشد، اگر چهره فرد چشم‌نواز نباشد، و اگر فضای تعامل خشک و سرد باشد، یک

الدِّينُ؟ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ وَقَالَ: أَمَا تَفْقَهُ؟! الدِّينُ هُوَ أَنْ لَا تَغْضَبَ (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۸۹).
 ۶۵. ان رجلاً أتى النبي ﷺ من قبل وجهه، فقال: يا رسول الله! أي العمل أفضل؟ قال: حَسَنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ يَمِينِهِ فَقَالَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: حَسَنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ عَنْ شِمَالِهِ شِمَالِهِ، فَقَالَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: حَسَنُ الْخُلُقِ. ثُمَّ أَتَاهُ مِنْ وَرَائِهِ، يَعْنِي مَنْ خَلْفَهُ، فَقَالَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ؟ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: مَا لَكَ لَا تَفْقَهُ...؟! حَسَنُ الْخُلُقِ هُوَ أَنْ لَا تَغْضَبَ انْ اسْتَطَعْتَ (التَّوْبَةُ وَالتَّوْبَةُ، ج ۳، ص ۴۰۵، ح ۱۴).

رابطه خوب و لذت بخش شکل نمی‌گیرد. همچنین اگر فرد در موقعیت‌های خوشایند زندگی خرسند نباشد و در ناخوشایندها، ناخرسند باشد و در اشتباهات خشمگین شود، به رابطه آسیب می‌زند و آن را تخریب می‌کند.

مکانیزم تأثیر حسن خلق

از مسائل بسیار مهم در این بحث، مکانیزم تأثیر حسن خلق بر روابط اجتماعی است. بر اساس روایات اسلامی، حسن خلق موجب ایجاد محبت^{۶۶} و تثبیت مودت^{۶۷} می‌شود و زندگی گوارا را به ارمغان می‌آورد.^{۶۸} سؤالی که مطرح است، این که چگونه حسن خلق موجب بهبود روابط اجتماعی می‌شود؟ چگونگی تأثیر از پرسش‌های مهم در علوم انسانی است. آنچه تا کنون گفته شد، مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی بود. اما از پرسش‌های مهم علمی، چگونگی تأثیر حسن خلق بر روابط اجتماعی است. این، به بحث تبیین برمی‌گردد. یکی از مسائل مهم در مطالعات اسلامی، تبیین چگونگی رابطه میان دو مؤلفه است. پیش‌تر در باره مسأله تبیین و روش آن در همین مجله سخن گفته‌ایم.^{۶۹} آنچه اینجا مهم است، این که در منابع اسلامی متونی وجود دارند که به پرسش یاد شده در باره حسن خلق پاسخ می‌دهند و حتی قابلیت نظریه‌پردازی دارند.

در این باره سه دسته روایت وجود دارد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

الف) روایات «سعة»

در برخی از روایات، برای حسن خلق از واژه «سعة» استفاده شده است. رسول خدا ﷺ فرموده است که اگر مال شما آن قدر وسعت ندارد که به دیگران برسد، به جای آن، اخلاقتان را وسعت دهید:

۶۶. عن فضیل قال: صنائع المعروف و حسن البشر یکسبان المحبة و یدخلان الجنة، و البخل و عبوس الوجه یربعدان من الله و یدخلان النار (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۵). غُضُّ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَا مُفَضَّلُ! لَا يُفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ، وَلَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ، وَ سَوْفَ يَنْجِبُ مَنْ يَنْهَمُ وَيُظْفَرُ مَنْ يَخْلُمُ، وَالْعِلْمُ جَنَّةٌ، وَالصَّدَقُ عِزٌّ، وَالْجَهْلُ ذُلٌّ، وَالْفَهْمُ مَجْدٌ، وَالْجُودُ نُجْحٌ، وَ حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلَبَةٌ لِلْمُودَةِ (الکافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹). حسن الخلق یورث المحبة و یؤكد المودة (عمرالحکم، ح ۴۸۶۴؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۲۸، ح ۴۴۰۰). من حسن خلقه کثر محبوه، و آنست به النفوس (عمرالحکم، ح ۹۱۳۱).

۶۷. رسول الله ﷺ: حسن الخلق یتبث المودة (تحف العقول، ص ۴۵؛ مشکاة الانوار، ص ۱۳۸، ح ۳۲۱).

۶۸. امام صادق ﷺ: لا عیش أهنأ من حسن الخلق (الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۳۳۸).

۶۹. ر.ک: «درآمدی بر روش شناسی فهم معارف روانشناختی از احادیث».

انکم لن تسعوا الناس باموالکم، فسعوهم باخلاقکم.^{۷۰}

ابن اثیر در شرح این حدیث گفته که مراد این است که مال شما نمی‌رسد که به دیگران بدهید، پس در مصاحبت با آنان، اخلاقتان را شامل حال آنان کنید.^{۷۱}

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که پس از واجبات، هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از خُلق توسعه یافته‌ای که مردم را در بر بگیرد، نیست.^{۷۲} البته معلوم است که مراد از اخلاق، اخلاق خوب است، نه اخلاق بد؛ همان‌طور که در بحث مال نیز مراد از وسعت مال، سود رساندن به وسیله مال است، نه آسیب زدن. این بدان معناست که گاه افراد مال وسیع دارند و به دیگران نفع می‌رسانند. گاه ممکن است کسی مال فراوان نداشته باشد، اما می‌تواند خُلقِ خوش‌و‌سیعی داشته باشد که دیگران را در بر بگیرد و آنان را از خوش‌خُلقی خود بهره‌مند سازد. پس حُسن خلق یعنی یک اخلاقِ خوب توسعه یافته که خوبی آن به دیگران می‌رسد و آن قدر هست که دیگران را بهره‌مند سازد. این بهره‌مندی یک بهره‌مندی اخلاقی است. این یکی از دلایل مهمی است که بر اساس آن مشخص می‌شود؛ چرا حسن خلق به بهبود روابط کمک می‌کند. باید بر روی خُلقِ توسعه یافته تأکید بیشتری کرد. خُلقِ برخی به گونه‌ای است که خوبی آن به دیگران نمی‌رسد و آنان را بهره‌مند نمی‌سازد. افراد خوش‌اخلاق، خُلقِ خوش‌گسترده‌ای دارند که سایه بر سر دیگران می‌اندازد و آنان را از لطف خود بهره‌مند می‌سازد. مرحوم مجلسی در شرح یکی از احادیث سعه بیان زیبایی دارد. ایشان توضیح می‌دهد که مراد این است که اگر شما مالی ندارید که با آن مردم را راضی سازید، پس با اخلاق و وسیعتان آنان را راضی سازید.^{۷۳} طبیعی است که این خلق توسعه یافته، فضایی وسیع و فرح‌بخش را در روابط اجتماعی به وجود می‌آورد. از نیازهای مهم در روابط با دیگران، بازبودن فضای تعامل است. همان‌گونه که تنگ بودن مکانی، موجب افزایش برخوردهای فیزیکی افراد با یکدیگر می‌شود، تنگ بودن فضای اخلاقی نیز موجب بروز

۷۰. الإمام علی علیه السلام: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحَسَنِ اللَّقَاءِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ (الأمالی (صدوق)، ص ۶۲، ح ۲۳ و ص ۵۳۱، ح ۷۱۸؛ ن.ک: کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۴، ح ۵۸۳۹). عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقَوْهُمْ بِطَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْبِشْرِ (الكافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۱).

۷۱. النهایة، ج ۵، ص ۱۸۴.

۷۲. أبو عبد الله علیه السلام: ما يقدم المؤمن على الله - عز وجل - بعمل بعد الفرائض أحب إلى الله تعالى من أن يسع الناس بخلقه (الكافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۴).

۷۳. روضة المتقين، ج ۱۳، ص ۹۹.

تنش روحی می‌گردد. حسن خلق، عامل مهمی در توسعه فضای روابط اجتماعی می‌گردد. با وجود خوش اخلاقی، هیچ تنگنای اخلاقی در روابط اجتماعی به وجود نمی‌آید.^{۷۴} خوش اخلاقی، فضای باز و گسترده‌ای را به وجود می‌آورد که هر کدام می‌توانند بدون تنگنا، به راحتی با دیگری رابطه و تعامل داشته باشد.

ب) روایات «یسر»

در برخی دیگر از روایات آمده که حسن خلق موجب آسانی و سهولت در ارتباط می‌شود. این ویژگی با واژه «یسر» بیان شده است. مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «حسن الخلق یسر».^{۷۵} کلمه «یسر» را چند گونه می‌شود خواند؛^{۷۶} یکی «یسر» که در این صورت به معنای آسانی و سهولت خواهد بود. دیگری «یسر» است که در این صورت به معنای سرور و شادی خواهد بود.^{۷۷} معنای دوم هر چند احتمال دارد، اما با سیاق حدیث مرحوم کلینی نمی‌سازد؛ زیرا در ادامه حدیث، امام صادق علیه السلام برای شاهد جمله خودشان به جریان کنیزی اشاره می‌کنند که مأموریت داشت رشته‌ای از لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را برای شفا بکنند. او چند بار پیر لباس حضرت را گرفت و چون ایشان متوجه می‌شد، خجالت کشیده و آن را رها می‌کرد تا این که بالاخره حضرت به گونه‌ای عمل کردند که وی بتواند کار خود را انجام دهد. این، نمونه آسانی است، نه سرور؛ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان اخلاقی داشتند که حتی یک کنیز می‌توانست از لباس ایشان رشته‌ای بربند و ببرد. گذشته از این که در ادبیات عرب نیز همین تعبیر با واژه «یسر» در باره حسن خلق آمده و ابن منظور آن را به معنای سهولت دانسته است.^{۷۸}

در منابع آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آسان‌گیری در سیره خودشان تصریح کرده و فرموده‌اند: خداوند، مرا سخت‌گیر و آزار دهنده بر نیانگیخت؛ بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر

۱. امام علی علیه السلام: لم یضق شیء مع حسن الخلق (غرر الحکم، ح ۷۵۴۵؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۱۴، ح ۷۰۳۴).

۷۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۲، ح ۱۵.

۷۶. یکی از مراحل فهم حدیث، فهم مفردات است که در آن، چگونگی خواندن یک کلمه تأثیر زیادی در معنا دارد (ر.ک: روش فهم حدیث، بحث فهم مفردات).

۷۷. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۰.

۷۸. قال المزار الحنظلی:

قد بَلَّوْناه عَلٰی عِلَاتِهِ، وَعَلَى التَّيْسُورِ مِنْهُ وَالصُّمُرُ
 دُومِرَاحٍ، فَإِذَا وَقَّرْتَهُ، فَذَلُّوا حَسَنُ الْخُلُقِ يَسْرُ

... و ذَلُّوا: ليس بصعب. وَيَسْرُ: سهَّل (لسان العرب، ج ۴، ص ۴۹۱).

برانگیخت.^{۷۹} به گزارش امام حسن مجتبی علیه السلام خاله ایشان هند بن ابی هاله نقل می‌کند که ایشان همواره گشاده‌رو، دارای خلقی آسان و نرم‌خو بود و تندخو و خشن نبود.^{۸۰} همچنین حضرت رسول صلی الله علیه و آله افراد «سهل و طلق» را دعا کرده است.^{۸۱} همه این‌ها نشان می‌دهد که یکی از کارکردهای مهم حسن خلق، سهولت و آسانی است.

بنا بر این، حسن خلق موجب سهولت و آسانی می‌شود و از این طریق موجب محبت و پیوند اجتماعی می‌گردد.^{۸۲} اگر این ویژگی نباشد، افراد از گرد هم جدا شده و پراکنده می‌شوند.^{۸۳}

ج) روایت «زینت»

در روایتی از امام صادق یا امام باقر علیه السلام آمده که ایشان مردم را به حسن خلق فراخوانده و فرموده است که این، شما را نزد مردم زیبا و جمیل می‌سازد.^{۸۴} بر اساس، این روایت، حسن خلق موجب زیبایی اجتماعی شده و زینت، روابط را لذت بخش می‌سازد. از آنچه گذشت، می‌توان گفت که پایه نظری حسن خلق سه مؤلفه اساسی دارد: وسعت، سهولت و زینت. حسن خلق، از سویی خلق مثبت توسعه یافته‌ای است که مهر و لطفش به دیگران می‌رسد و از سوی دیگر، موجب سهولت و آسانی روابط می‌گردد، و از سوی سوم موجب زینت اجتماعی می‌شود. این سه، فضایی را در روابط اجتماعی به وجود می‌آورند که برای دیگران مایه آسایش، لذت، سرور و امنیت است و به همین جهت موجب بهبود، توسعه، تعمیق و تحکیم روابط اجتماعی می‌شود.

۷۹. عنه صلی الله علیه و آله، إن الله لم یبعثنی مُعْتَبَرًا وَلَا مُتَعْتَبًا، وَلَکِن بَعَثَنی مُعَلِّمًا مُبْتَدِئًا. (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۱۰۵، ح ۳۳).

۸۰. الإمام الحسن علیه السلام سَأَلْتُ خَالَی هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ عَنِ حَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَكَانَ وَصَافًا لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَنَحْمًا مَفْحَمًا... فَقُلْتُ: كَيْفَ كَانَ سِيرَتُهُ فِي جُلُوسَاتِهِ؟ فَقَالَ: كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيْتِنِ الْجَانِبَ لَيْسَ بِغَلِيظٍ وَلَا غَلِيظًا...

۸۱. رسول الله صلی الله علیه و آله ایها الناس! والله انی لاعلم انکم لاتسعون الناس باموالکم ولكن بالطلاقه و حسن الخلق و سمعته یقول رحم الله کل سهل طلق (الزهد، ۲۸).

۸۲. قوله: (حسن الخلق یسر) ای سبب لیسرلان الناس مجبولون بحب من یلاقیهم بحسن الخلق و رعایتہ (شرح الکافی ملا صالح، ج ۸، ص ۲۹۳).

۸۳. فیما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

۸۴. عن الباقر أو الصادق علیه السلام قال: إن مما يُزین الإسلام الأخلاق الحسنة فیما بین الناس، فتواظبوا علی محاسن الأخلاق و حسن الهدی و السمیت، فإن ذلك مما یزینکم عند الناس إذا نظروا إلی محاسن ما تنطقون به و ألقوكم علی ما یستطیعون بتقضتکم فیہ، وقد قال الله - عز و جل - لمحمد صلی الله علیه و آله: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و هو الخُلُقُ الذی فی أیدیکم (مشكاة الانوار، ص ۴۲۲، ح ۱۴۳۱).

نتیجه

نتیجه این بررسی آن است که نباید حسن خلق را معادل کل فضایل و رذایل اخلاقی دانست؛ بلکه به معنای خلق مثبت در روابط بین فردی است. از این رو، وقتی در جایی مانند ازدواج^{۸۵} و مانند آن، حسن خلق شرط می‌شود، بدان معنا نیست که فرد باید همه فضایل اخلاقی را داشته باشد، بلکه مراد آن است که اخلاق خوب ارتباط با دیگران داشته باشد. مصادیق آن نیز در متون دینی هشت مورد است. با مشخص شدن این هشت مورد، سردرگمی در این باره نیز از بین می‌رود. لذا کسی که می‌خواهد خوش اخلاق باشد، می‌داند که باید این هشت مورد را عمل کند و اگر بنا باشد خوش اخلاقی کسی را شناسایی کنیم، می‌دانیم که باید دست کم این هشت شاخص را داشته باشد و اگر بنا باشد خوش اخلاقی را ترویج کنیم، به شعار دادن بسنده نکرده و می‌دانیم که باید این هشت مورد را تبلیغ کنیم. از چیزهایی که برای علوم انسانی به ویژه روان‌شناسی اجتماعی مهم است، چگونگی تأثیر حسن خلق بر بهبود روابط اجتماعی است که قابلیت نظریه‌پردازی دارد. براساس منابع اسلامی، سه مؤلفه (وسعت - سهولت - زینت) - با توضیحی که گذشت - اموری هستند که می‌توانند چگونگی تأثیر را توضیح دهند.

خلاصه سخن، این که یافته‌های این پژوهش می‌تواند در مقام عمل مردم را راهنمایی کند که در رابطه با دیگران چگونه باید عمل نمایند و چه مواردی را باید لحاظ کنند. در مقام تبلیغ، می‌تواند تکلیف رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغی را برای فرهنگ‌سازی و ترویج حسن خلق مشخص سازد. همچنین در مقام نظریه‌پردازی و تولید علم مبتنی بر مبانی دینی نیز می‌تواند دانش روان‌شناسی اجتماعی را در تحلیل نظری حسن خلق، و ساخت آزمون‌های تشخیصی برای سنجش میزان حسن خلق، و تدوین برنامه‌های مداخله‌ای برای تغییر خلق در افراد یاری دهد.

کتابنامه

- *الأمالی*، محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) (۳۸۱ق)، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه البعثة، اول، ۱۴۰۷ق.
- *الأمالی*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی) (۴۶۰ق)، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.

۸۵. ر.ک: رضایت زناشویی، ص ۹۰.

- انتخاب ہمسر، سیزدہم، ۱۳۸۶ ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی (م۱۱۱ق)، تحقیق و نشر: بیروت، مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی (م۴۶۳ق)، تحقیق: عبدالقادر وفا، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۷ق.
- تاریخ مدینة دمشق، ابو القاسم علی بن حسن بن ہبہ اللہ، معروف بہ ابن عساکر دمشقی (م۵۷۱ق)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۱۵ق.
- تاریخ یعقوبی، احمد بن یعقوب (م۲۹۲ق)، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۵ق.
- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبة حرانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسين، ۱۴۰۴ق.
- الترغیب والترہیب، اسماعیل بن محمد جوزی اصفہانی، مصحح: ایمن بن صالح، قاہرہ: دارالحدیث، ۱۴۱۴ق.
- تنبیہ الخواطر ونزہة النواظر (مجموعۃ وزام)، وزام بن أبی فراس الحمدانی (م ۶۰۵ق)، بیروت: دار التعارف و دار صعب.
- الجامع الصغیر، عبدالرحمن بن أبو بکر سیوطی (م۹۱۱ق)، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۱ق.
- الخصال، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ قمی (شیخ صدوق) (م۳۸۱ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چہارم، ۱۴۱۴ق.
- رضایت زناشویی، عباس پسندیہ، قم: انتشارات دارالحدیث، اول، ۱۳۹۱ ش.
- روضة المتقین، محمد تقی مجلسی، تہران: بنیاد فرہنگ اسلامی کوشانیور، ۱۴۰۶ق.
- الزہد، أبو محمد الحسین بن سعید کوفی اہوازی (م۲۵۰ق)، تحقیق: غلام رضا عرفانیان، قم: المطبعة العلمیہ.
- سنن أبی داود، ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی الأزدی (م۲۷۵ق)، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار إحياء السنّة النبویّة.
- شرح أصول الکافی، محمد صالح مازندرانی (م۱۰۸۱ق)، تصحیح: علی عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- شرح أصول الکافی، صدر الدین محمد بن إبراهیم شیرازی (ملا صدرا) (م۱۰۵۰ق)، تحقیق: محمد خواجوی، تہران: مؤسسہ مطالعات و تحقیقات فرہنگی، اول، ۱۳۶۶ ش.
- صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.

- صحیفۃ الامام الرضا (ع)، علی بن موسی (ع)، مشهد: کنگرہ جهانی حضرت امام رضا (ع)، اول، ۱۴۰۶ ق.
- العین، خلیل بن أحمد فراہیدی (م ۱۷۵ ق)، تحقیق: مہدی المخزومی، قم: دار الهجرة، اول، ۱۴۰۹ ق.
- عیون الحکم والمواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی (ق ۶ ق)، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۷۶ ش.
- غرر الحکم ودرر الکلم، عبد الواحد آمدی تمیمی (م ۵۵۰ ق)، تحقیق: میر جلال الدین محدث ارموی، تہران: دانشگاه تہران، سوم، ۱۳۶۰ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب ودار التعارف، چہارم، ۱۴۰۱ ق.
- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علی متقی بن حسام الدین ہندی (م ۹۷۵ ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت: مكتبة التراث الإسلامي، اول، ۱۳۹۷ ق.
- من لایحضرہ الفقیہ، محمد بن علی صدوق (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعہ مدرسین، دوم، ۱۳۶۳ ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم مصری انصاری (ابن منظور) (م ۷۱۱ ق)، بیروت: دار صادر، اول، ۱۴۱۰ ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، تحقیق: ہاشم رسولی محلاتی، تہران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۰ ش.
- مسند ابن حنبل، أحمد بن محمد شیبانی (ابن حنبل) (م ۲۴۱ ق)، تحقیق: عبد الله محمد درویش، بیروت: دار الفکر، دوم، ۱۴۱۴ ق.
- مسند الشہاب، أبو عبد الله محمد بن سلامة القضاعی (م ۴۵۴ ق)، تحقیق: حمدی عبد المجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرسالة، اول، ۱۴۰۵ ق.
- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن الحسن الطبرسی (ق ۷ ق)، تحقیق: مہدی ہوشمند، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۱۸ ق.
- المصنّف، عبد الله بن محمد ابن أبی شیبہ کوفی (م ۲۳۵ ق)، تحقیق: سعید محمد اللّخام، بیروت: دار الفکر.
- المعجم الأوسط، أبو القاسم سلیمان بن أحمد لخمی طبرانی (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، القاهرة: دار الحرمین، اول، ۱۴۱۵ و ۱۴۱۶ ق.

- معجم مقاییس اللغة، ابو حسین احمد بن فارس رازی (م ۳۹۵ق)، تحقیق: عبد السلام محمد ہارون، مصر: شركة مكتبة مصطفى البابی وأولاده، دوم، ۱۳۸۹-۱۳۹۲ق.
- مكارم الأخلاق، فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق)، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، اول، ۱۴۱۴ق.
- الموطأ، مالك بن أنس (م ۱۵۸ق)، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، اول، ۱۳۷۰ق.
- النهاية في غريب الحديث والأثر، مبارك بن مبارك الجزري (ابن الأثير) (م ۶۰۶ق)، تحقیق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، چہارم، ۱۳۶۷ش.
- نهج البلاغة، ما اختاره ابو الحسن شريف رضى محمد بن حسين بن موسى موسوى من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (م ۴۰۶ق)، تحقیق: سيد كاظم محمدى ومحمد دشتى، قم: انتشارات الإمام على عليه السلام - دوم، ۱۳۶۹ش.
- الوافي، محمد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشاني) (م ۱۰۹۱ق)، تحقیق: ضياء الدين حسين اصفهاني، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
- «درآمدی بر روش شناسی فهم معارف روانشناختی از احادیث»، عباس پسندیده، نشریه علوم حدیث، ش ۴۵ و ۴۶.